



شماه‌ای از داستان تاسیس و توقیف نشریه پیکار در آلمان

◆ نادر مرادی

... در دومین کنگره حزب کمونیست ایران (عدالت) در سال ۱۳۰۶ که به کنگره ارومیه معروف بود تصمیم گرفته شد که رهبری حزب به سه شاخه تقسیم شود: نیکبین در آذربایجان، مرتضی علوی در آلمان، و پیشه‌وری به عنوان مسوول تشکیلات حزب در ایران.

«پس از کنگره دوم، حزب موفق به ایجاد وسایل بیشتری برای کار تبلیغاتی خود شد و کمیته مرکزی تصمیم گرفت برای نشریات حزبی و کار میان محصلین اروپا، مرکزی در خارج تشکیل گردد، این مرکز با مدیریت سلطان‌زاده که از طرف حزب مامور این کار بود، تشکیل و مرتضی علوی به سرپرستی مستقیم آن گمارده شد.

در اثر تلاش‌های این مرکز روزنامه پیکار در برلن و مجله ستاره سرخ در وین منتشر شد که هر دو ارگان رسمی حزب بودند، در صورت سازمان یافته وارد ایران گشته و پخش می‌شدند.^(۱)

اداره‌کنندگان نشریه پیکار دانشجویانی بودند که برای تحصیل به خارج رفته بودند و زیر نظر مستقیم مرتضی علوی و هدایت سلطان‌زاده مبادرت به نوشتن مقاله می‌کردند و ناشر آن کمونیستی بود به نام کارل ونر. «و نویسندگان آن دکتر امامی، دکتر یزدی‌زاده، دکتر بهرامی که دانشجوی رشته طب بودند»^(۲) و «فرخی یزدی مدیر روزنامه توفان و نماینده مجلس دوره ششم قانونگذاری»^(۳)، در انتشار نشریه پیکار همکاری می‌کردند. با اولین انتشار روزنامه پیکار که از طرف گروه کمونیست‌های ایرانی در آلمان مخفیانه اداره می‌شد، خشم سفارت ایران و اداره

سرپرستی را برانگیخت به ویژه پس از آنکه نام برخی از جاسوسان سفارت ایران به وسیله پیکار افشا گردید و پرده از روی اقدامات ضدانسانی اداره سرپرستی نسبت به دانشجویان برداشته شد و برخی از عمال سفارت انگشت نما شده مجبور بودند از شهر محله اقامت خود نقل مکان کرده و به پاریس بروند. «^(۴) انتشار و توزیع مرتب پیکار شور و هیجانی در میان جوانان دانشجو ایجاد نموده بود. «^(۵) افشاگری‌هایی که در نشریه پیکار از وضع حکومت و ظلم و ستم فئودال‌ها که نسبت به دهقانان روا می‌داشتند از اعتصابات کارخانه‌جات و ده‌ها مطلب دیگر که در روزنامه منتشر می‌شد موجب هراس حکومت وقت شده بود. «به‌هر حال انتشار روزنامه پیکار در آلمان سروصدای زیادی در ایران تولید کرد، در چنان شرایط حکومت دیکتاتوری ایران به هیچ‌وجه نمی‌توانست تحمل کند که روزنامه‌ای، انتقاد شدید و حتی انقلابی به زبان فارسی در آلمان چاپ شود و با وجود نهایت درجه دقت پلیس مقادیر زیادی به ایران وارد و پخش گردد و مردم آن را باحسن قبول بخوانند و بروز ندهند، آن‌طور که اهل اطلاع در همان موقع می‌گفتند حکومت وقت خبر انتشار روزنامه پیکار را از مامورین سیاسی خود در خارجه دریافت کرده و به ادارات انتظامی و پلیس دستور اکید داده بود که با نهایت مراقبت از ورود آن روزنامه به ایران جلوگیری نمایند و در دست هر کس ببینند ضبط و خواننده را توقیف نمایند، با وجود این از آن روزنامه به مقدار زیادی به ایران می‌رسید و حتی یک نسخه هم به دست پلیس نمی‌افتاد. «^(۶) اداره سرپرستی دانشجویان خارج از کشور «هم برای اینکه زهر چشمی از دانشجویان بگیرد و آنها را سر جای خود بنشانند بورس تحصیلی چند نفر را با سروصدا قطع کرده برخی از آنها را به ایران روانه نمود، ولی عین این اخبار در شماره بعدی پیکار انعکاس می‌یافت و بیشتر اداره سرپرستی را دچار حیرت و گیجی می‌نمود. «^(۷) اما اینکه این اخبار چگونه به بیرون درز می‌کرد، حکومت و عمال سفارت را دچار سردرگمی و گیجی کرده بود، مرحوم صدرهاشمی در توضیح و شرح روزنامه پیکار می‌نویسد: «در آنوقت هنوز حزب ناسیونال سوسیالیست در آلمان تشکیل نشده یا قوامی نگرفته بود، کمونیست‌ها بسیار قوی و دارای قریب هشتاد نماینده در مجلس رایش‌تاخ آلمان بودند ولی اکثریت در دست حزب سوسیال دموکرات و دکتر برونیک لیدر آن حزب نخست‌وزیر یا رئیس حکومت آلمان بود، تمامی قرائن و امارات نشان می‌داد که نویسندگان روزنامه یا مجله پیکار نه تنها از آزادی رژیم داخلی آلمان استفاده کامل می‌کردند بلکه از راهنمایی‌ها و کمک‌های فکری بعضی از مامورین وزارت خارجه هم شاید برخوردار می‌گردیدند. اماره و بینه‌ای که این نظریه را تأیید می‌کرد، پاره‌ای از مندرجات روزنامه مزبور بود چه مدارک و اسنادی در روزنامه پیکار منتشر می‌شد که تهیه آنها در نظر ارباب بصیرت برای مرتضی علوی یا چند محصل ایرانی مقیم آلمان دشوار می‌نمود و قهری بود که دسترسی یافتن بدانگونه اسناد و مدارک فقط از عهده یک دولت یا سازمان‌های منظم ساخته است. «^(۸) اما اینکه

این اسناد و مدارک چگونه به دست نویسندگان نشریه پیکار می‌رسید، خود گویای کار تشکیلاتی ای منظم و سازمان یافته بود و نشریه پیکار که ارگان این حزب محسوب می‌شد و دارای اعضای بود که در کشورهای مختلف اروپایی مشغول به تحصیل بودند. در همین رابطه ایرج اسکندری خاطره‌ای را از دوران دانشجویی خود که در فرانسه مشغول تحصیل بود و چگونگی کسب خبر را نقل می‌کند: «اداره سرپرستی به کمک پلیس و کارمندان موسسات فرهنگی فرانسه مکاتبات رفت و آمد و مرادوات دانشجویان را تحت نظر گرفته بود و بدین سان می‌کوشید تا از رسوخ افکار مخرب» در میان دانشجویان جلوگیری به عمل آورد، در چنین شرایط اجرایی وظیفه‌ای که به من واگذار شده بود دشوار می‌نمود و من خود در کارهای سازمانی تجربه‌ای نداشتم و چون دست‌تنها هم بودم کوشش‌های اولیه نتیجه‌ای زیادی به بار نمی‌آورد، تدریجاً دو جناح متمایز فکری بین دانشجویان ایرانی مقیم گرونوویل [فرانسه] مشخص گردید؛ از یکسو جناح هواداران نظام موجود و از سوی دیگر جناح دانشجویان ضداستعمار و مخالف رژیم دیکتاتوری پهلوی. اکثریت در جهت اخیر اظهار نظر می‌کردند و فقط عده‌ای معدود از اشراف‌زادگان مانند علی امینی (نخست‌وزیر سابق) و برادرانش و هرمز پیرنیا پسر مشیرالدوله و همچنین وابستگان به سفارت ایران و اداره سرپرستی از قبیل: عبدالله ریاضی (رئیس مجلس سابق) و غلامرضا کیان علناً از نظم موجود طرفداری می‌کردند، چنانکه به مرور توانستم برای کار تبلیغی و سازمانی متحدين و همکاران نسبتاً جازمی تهیه کنم. اگرچه برخورد این افراد نسبت به مارکسیسم و سوسیالیسم هنوز جنبه فضل‌فروشانه و روشنفکرانه داشت و گاه تردیدها و دودلی‌هایی در مورد این یا آن مسئله در میان آنها راه می‌یافت، مع‌ذالک یآوری آنها در انجام پاره‌ای امور مربوطه به وظیفه من بسیار سودمند بود. در واقع به وسیله این دوستان اطلاعات بسیاری در مورد شیوه کار اداره سرپرستی دستورهای سفارت ایران راجع به دانشجویان و سیاستی که درباره آنها در ارتباط با مقامات فرانسوی اعمال می‌شد به من می‌رسید. و نیز برخی از اقدامات که برای انجام وظایف سازمانی محوله به من لازم بود و از لحاظ پنهان‌کاری مصلحت نبود مستقیماً به آن مبادرت ورزم به وسیله آنان انجام می‌گردید.»^(۹)

با تمام این احوال از شروع اولین شماره نشریه که به تاریخ ۲۶ بهمن ۱۳۰۹ و آخرین آن که به تاریخ ۲۲ مهر ۱۳۱۰ که در مجموع ۸ ماه می‌شود و به ۱۵ شماره می‌رسید رژیم پهلوی را به صرافت و تکاپو واداشت که جلوی چاپ نشریه را به هر طریق ممکن بگیرد.

در اعلامیه‌ای که به مناسبت اعتراض به توقیف نشریه پیکار در آلمان منتشر شد آمده است: هفت ماه طول کشید تا بالاخره حکومت پهلوی با مساعدت پلیس آلمان برای موقت موفق به توقیف روزنامه حق‌نگار پیکار گردید، برای اینکه صدای رسای پیکار را خفه کند تیمورتاش معلوم‌الحال مسافرت به اروپا نموده هرچند روز یک مرتبه از ژنو به برلین رفت و آمد نموده در نزد مقامات رسمی توقیف پیکار

و تبعید یک محصل انقلابی (مرتضی علوی) را مطالبه می نمود، از این جهت هیچ مایه تعجب نیست اگر حکومت ایران انتشار پیکار را برای خود یک مسئله حیاتی و مماتی دانسته، به حکومت آلمان تهدید قطع روابط نموده و حتی برای چشم زخم حکومت آلمان سفیر خود را از آلمان خواسته است، در مقابل تهدید و فشار حکومت پهلوی مقامات رسمی آلمان روزنامه پیکار را برای مدت شش ماه توقیف نموده و یک محصل انقلابی را در عرض ۲۴ ساعت از آلمان تبعید کردند، خوشبختانه همان طوری که ما انتظار داشتیم جراید آزادیخواه و مخصوصا جراید کارگری آلمان در مقابل این نوع تلاش های رژیم ساکت نشستند، به نوبه خود در جراید صدای مخالفت خود را بلند نموده و با زبان آشکار پروتست «حمایت» نمودند، واقعه توقیف پیکار و تبعید یک محصل انقلابی برای ما یک توفیق اجباری شد که تمامی جراید آلمان به مسئله ایران توجه نموده و در این موقع ما توانستیم شمه ای از اوضاع امروری و رژیم استبدادی و هویت مشخص رضاخان را در جراید کارگری آزادیخواه آلمان منتشر نماییم.^(۱۰)

در واقع همین طور هم شد که به رسوایی رژیم پهلوی و گماشتگانش منجر شد و دادگاهی که چند ماه بعد قرار بود تشکیل بشود به یک محاکمه جنجالی و مفصل منتهی شد. اسکندری می گوید: «شرح جریان این دادرسی که چهارم آوریل ۱۹۳۲ در برلن آغاز شد مفصل است برخلاف انتظار سفارت ایران جریان دادرسی مبدل به محاکمه رضاشاه و رژیم ایران گردید، رفقای ما نه تنها فاکت های غیر قابل انکاری را از وضع قرون وسطایی مردم زحمتکش ایران از استبداد رژیم حکومت مطلقه رضاشاه باز داشت ها، شکنجه ها، اعدام ها، بی قانونی ها، و فساد و تباهی های رژیم در برابر دادگاه گسترده، بلکه از شهادت فرخی یزدی مدیر توفان که در دوره ششم قانونگذاری نماینده مجلس بود و در روزهای آخر آن دوره، نطق مفصلی علیه بیدادگری رژیم نموده و از ایران به طور اسرار آمیزی گریخته و به آلمان رسیده بود، استفاده شایانی نمودند، شهادت وی مانند مجلس که برای حفظ جان خود مجبور به جلای وطن شده است تاثیر فراوانی در دادگاه نمود، پس از شور کوتاهی دادگاه حکم برائت کلیه متهمین را صادر نمود و رئیس دادگاه به خبرنگاران گفت: بهتر است دستور تبعید مرتضی علوی از آلمان نیز لغو گردد. با وجود کوشش های مقامات دولتی آلمان برای جلوگیری از نشر اخبار این دادرسی پیروزی پیکار و شکست شاه در تمام مطبوعات آلمان منعکس گردید.»^(۱۱) فهرست تمام سرمقاله های پانزده شماره پیکار و یک نسخه کامل (شماره ۶) آن که در آلمان منتشر می شد در اینجا به پیوست تقدیم می گردد.

فهرست مطالب مجله پیکار

شماره ۱- (۱۵ فوریه ۱۹۳۱ - ۲۶ بهمن ۱۳۰۹)

- اهداف ما (هیئت تحریریه)

- آزادی انتخابات و آزادی ضربه
- پارلمان‌تاریسم در ایران، آنچنانکه هست.
- نمونه‌ای از انتخابات مجلس هشتم، (مکتوب از بندر پهلوی)
- نویسندگان کنونی مطبوعات ایران و رئیس آنها، آقای دشتی.
- محصلین ایرانی در اروپا.
- پیغام به محصلین، دهقانان، کارگران و همه وطن‌پرستان مبارزه راه آزادی ایران؛



شماره ۲- (۱۵ مارس - ۹ اسفند ۱۳۰۹)

- «با کمک شما، آقایان، بحران قطع خواهد شد»، پاسخ به نطق رضاشاه در مقابل مجلس هشتم.

- بانک شاهنشاهی (انگلیس) و ترقی اسعار خارجی در ایران.
- زندان پهلوی در تهران.
- «خطر» روس و مطبوعات «ملی» ایران.
- نتایج کنفرانس محصلین انقلابی ایران در کلن، فوریه ۱۹۳۱.
- موفقیت آقای شبیانی و انگلیسی‌ها در جنوب ایران.
- مکتوب از شیراز.



شماره ۳، اول آوریل ۱۹۳۱ - ۱۰ فروردین ۱۳۱۰

- مبارزه علیه استبداد.
- انگلیسی‌ها ایران را برای جنگ آینده آماده می‌کنند.
- تجارت ایران و روس در شهر رشت.
- قدرت مالکان ارضی و قانون انحصار تجارت خارجی ایران.
- موازنه تجاری.
- نظامیگری در اروپا - نظامیگری در ایران.



شماره ۴- (۱۹ آوریل - ۳۰ فروردین ۱۳۱۰)

- جواب ما به آقای فهیمی و طبقه حاکمه ایران
- فرار ۱۳۱ زندانی سیاسی تهران.
- قربانیان رژیم پهلوی، میرزا یحیی واعظ کیوانی، سردبیر روزنامه «نصیحت» قزوین.

- زندان تبریز در عصر پهلوی .
- آبادانی باویرانی لرستان .
- تجدیدنظر امتیازات نفت جنوب با تحکیم زنجیر اسارت ایران .
- نقش ایران پهلوی در تدارکات جنگ آینده علیه اتحاد شوروی .
- نهضت کارگران نفت جنوب .
- اقتصاددان عصر پهلوی .
- ارتجاع و روحانیت .
- وضع دهقانان در ایران (مکتوب از مازندران)

شماره ۵ (اول ژوئن ۱۹۳۱ - ۱۰ خرداد ۱۳۱۰)

- سیاست جاسوسی انگلیسی‌ها در ایران .
- رئیس نظمیة جدید، سرتیپ محمدحسین خان آیرم .
- مکتوب از تبریز - (مکتوب، یکی از کارگران تبریز به پیکار)
- شمه‌ای از سیاست اقتصادی حکومت پهلوی .
- مختصری از زندگی کارگران نفت جنوب .
- بودجه سال ۱۳۱۰ یا شاهکار ارتجاعی وزارت سپاهی آقای تقی‌زاده .
- قرارداد مخفی بین بانک شاهنشاهی و بانک ملی .

شماره ۷ - (۱۵ ژوئن ۱۹۳۱ - ۲۴ خرداد ۱۳۱۰)

- ایران و نهضت کارگری انگلیس .
- حکومت رضاشاه مضطرب است .
- فریب یا آزادی زن .
- داستان یک زندانی .
- رفتار زندانبانان با زندانیان سیاسی .
- مختصری از زندگی کارگران نفت جنوب (ادامه)
- بهایی‌ها در ایران .
- پیام کمیته مرکزی فرقه کمونیست ایران به تمام کارگران، دهقانان و زحمتکشان ایران .

شماره ۸ - (اول ژوئیه ۱۹۳۱ - ۱۰ تیر ۱۳۱۰)

- اعتراض جامعه ضد امپریالیست علیه اختناق حکومت پهلوی
- انقلاب ملی چیست و چرا ما هوادار آن هستیم .
- وضعیت محبوسین سیاسی در ایران .
- ما چه می خواهیم (بقلم ذره)
- انقلاب ایران ۱۹۱۱-۱۹۰۶ و وظایف انقلاب بورژوا-دموکراتیک .
- یک پیشنهاد مهم .
- تشکیل صندوق تعاون انقلابیون ایرانی محبوس و خانواده ایشان .
- ما و اقلیت‌های ملی .
- مختصری از زندگی کارگران نفت جنوب .

شماره ۹ (۱۵ ژوئیه ۱۹۳۱ - ۲۳ تیر ۱۳۱۰)

- قوانین ارتجاعی مصوبه توسط حکومت پهلوی علیه فرقه کمونیست ایران و وظایف حزب کمونیست ایران .
- قانون مجازات مخل نظم عمومی .
- مبارزات دهقانان ایران .
- ما چه می خواهیم (ذره)
- ۲۵ سال پس از اعطای قانون اساسی .
- پیغام هیئت تحریریه «پیکار» خطاب به همه کارگران، رنجبران، آزادیخواهان مقیم خارجه .
- کارخانه نساجی «وطن» در اصفهان .

شماره ۱۰ (اول اوت ۱۹۳۱ - ۱۰ مرداد ۱۳۱۰)

- کاپیتولاسیون عصر پهلوی برای اتباع ایران .
- اول اوت و جنگ امپریالیستی .
- نامه سرگشاده لاهوتی به رایین درانات تاگور .
- انعکاس ترقیات ایران و مخارج محرمانه دربار شاه .
- ما چه می خواهیم (ادامه)
- قیام در تبریز .
- شورش در زندان .
- امپریالیسم انگلستان «آبادانی ایرانی» مستقل را خواهان است .

- گروه آشوبگران ایران معاصر .
- شماره ۱۱ - (۱۵ اوت، ۲۵ مرداد ۱۳۱۰)
- رضاخان و فتودالیسم در ایران
- استبداد غیر قابل تحمل حکومت پهلوی و مهاجرت دو هزار دهقان .
- مکتوب از تهران درباره وضع حالیه ایران .
- بار دیگر روزنامه «ایران»
- کار باصطلاح اجباری در اتحاد جمهوری های شوروی سوسیالیستی؛
- ما چه می خواهیم (ادامه)
- سیاست مالیاتی حکومت پهلوی .

◆
شماره ۱۲ (اول سپتامبر ۱۹۳۱ - شهریورماه ۱۳۱۰)

- شاهنشاه مستبد .
- قانون اساسی مضحک .
- وطن پرستی اشراف کنونی و رابطه آنان با کارگران (مکتوب یک کارگر نفت جنوب درباره زجری که او و رفقاییش در تهران بردند تا دستمزدی را که حقشان بود از کمپانی انگلیس نفت بگیرند .)
- ما چه می خواهیم (ادامه)
- سکه «پهلوی» و سقوط نرخ قرآن .
- اعتصاب در موسسات نفتی جنوب و درس های سیاسی آن .
- سیاست استبدادی و ازدیاد خودکشی .

◆
شماره ۱۳ (۱۵ سپتامبر ۱۹۳۱ - ۲۳ شهریورماه ۱۳۱۰)

- اعتراض کارگران ایرانی در باکو علیه استبداد رژیم پهلوی .
- لیست املاک شاه در مازندران .
- وضع دهقانان ایران .
- ما چه می خواهیم .
- رهبر انقلاب آینده ایران .
- اهداف ما .
- مکتوبی از اصفهان .
- کارخانه نساجی کازرونی (وطن) - وضع کارگران در کاخانه و مطالبات اقتصادی و سیاسی آنها

در مقابل هیئت مدیره .
- وضع زندان‌ها از نقطه نظر

- ◆ شماره ۱۴ (اول اکتبر ۱۹۳۱ - ۸ مهر ماه ۱۳۱۰)
- اعتصاب کارگران اصفهان در کارخانه «وطن» .
- مسئله بحرین و تسخیر رسمی جزیره توسط انگلیسی‌ها .
- سقوط نرخ پوندسترلینگ .
- دهقانان و انکشاف اقتصادی ایران .

◆ شماره ۱۵ (۱۵ اکتبر ۱۹۳۱ - ۲۲ مهر ماه ۱۳۱۰)

- ساکت کردن مدرس .
 - مکتوبی از خوزستان .
 - امپریالیسم انگلیس در راه اضمحلال .
 - صدای محبوسین در زندان‌های پهلوی .
 - جزئیاتی درباره جنبش دهقانان .^(۱۲)
- بی‌نوشت :

- ۱ . شمه‌ای درباره تاریخ جنبش کارگری در ایران ص ۳۵ انتشارات حزب توده ایران چاپ پنجم ۱۳۵۸
- ۲ . اسنادی از مطبوعات و احزاب دوره رضاشاه - علیرضا اسماعیلی .
- ۳ . خاطرات سیاسی ایرج اسکندری ص ۹۸ انتشارات علمی چاپ دوم ۱۳۶۸
- ۴ . همان منبع ص ۹۳
- ۵ . همان منبع ص ۹۳
- ۶ . تاریخ جراید و مجلات ایران (محمد صدرهاشمی) جلد دوم ص ۹۰ انتشارات کمال (اصفهان) چاپ دوم ۱۳۶۳
- ۷ . خاطرات ایرج اسکندری ص ۹۴ انتشارات علمی چاپ دوم ۱۳۶۸
- ۸ . تاریخ جراید و مجلات ایران (محمد صدرهاشمی) جلد دوم ص ۹۰ انتشارات کمال (اصفهان) چاپ دوم ۱۳۶۳
- ۹ . خاطرات ایرج اسکندری چاپ دوم صص ۸۶ و ۸۷ انتشارات علمی چاپ دوم ۱۳۶۸
- ۱۰ . نقل از اعلامیه که در پاریس بر علیه توقیف پیکار منتشر شده بود . پاریس نوامبر ۱۹۳۱
- ۱۱ . خاطرات ایرج اسکندری ص ۹۸ انتشارات علمی چاپ دوم ۱۳۶۸

۱۲. فهرست بالا به ترجمه از روسی است و به همین دلیل ممکن است عین لغات اصلی منعکس نشده باشند. فهرست مقالات «ستاره سرخ»، دیگر نشریه حزب کمونیست ایران در آن دوران در پژوهشنامه مسائل انقلاب و سوسیالیسم (مانیفست ۲، تابستان ۱۳۵۴) یافت می‌شود.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

رئیس نظمیہ جدید

سرتیپ عماد حسین خان آیرم

از دیر زمانی است که حکومت چند روزگی اخیر
شعبهای خود را ریاست نظمیہ مسلکی انتخاب میکند. گویا
عقل این تبه نلانی بر سر می برای انتخاب بر اساس
بهرتگی و عدم کلابت جنوری از همه اینها وظیفه هر چه
که قدرت از قدرت بی ایمان بر نه از افراسیاطان و اولادین
باشد و بی گمانه و از این سبب موجب تکلیف خاطر ملوکانه
را فراهم میکند. با این حال شخصی عموماً نسبت گرفت
نظیر خود را (ریاست انتخاب یکی از مرتبین) از خدمت
و توفیق و راحت نماید.

البسی چنانکه میباید یکی از اولاد ودم سائیدهای مستند
و وجهه اثری تعیینین حاضر صاحبستیان ترجیح و سرتیپ
مسند حسین خان آیرم که بر اساس نظمیہ انتخاب کرده
است. نظر اینکه شیلی از اهل ایران از سابقه و مسترفهان
ایرانی بی اطلاع مسند لازم میباید بخود مستخر ابدان
میشود.

این شخصی یکی از ابراهیمی است که در زمان سلطنت
زوری روسیه در قلمرو روسیه مستقیم صاحبستیان و ملازم بود. بعضی
است که بپرتغال او در نظام روسیه ایرانی لیاقت و کلابت
خاص بود. پس این شخصی روسیه بعضی و خیانت زانیک
(از خدمت مسلط فرانسویان نظام روسیه زوری بود) صفت
و دین صاحبستیان حاضر قلمرو ایرانی روسیه زوری کرده
به از آنکه حکومت زوری بخود زدگانی گذشت این
عالمیستیم. بوم بفرق ایران و روسیه کرده. بومی است در
آزادگی هم انگلیسی مانند حالا صاحب اختیار حقیقی گنود
ایران بودند. و اینکه ستر زحمان سیر انگلیسی گونای ستر
خود را از روسیه شروع و چون نظر ایران بود

تمام صاحبستیان را در روسیه و که وی آزادی مستعاضان رسید
و با خود تمام صاحبستیان را از روسیه دوری نگذاشت. در چند
این صاحبستیان که با هر که بود و ما سان او را بخدمت منور
دعوت کرده و با دین سرتیپ بی از دین شود شالی ایران
سود. این بچنگه از تمام و استیفاء دیگر به شالی بود از
چینار و دعوت ایران دعوتین بخدمت سلطنت صلاح مقام
صبح مدیح و فرود گذری مکره. پس از آنکه بطوری احوال
گردید. سرتیپ روسیه خود شروع تیریز گردید. به از این
اگر در میان و سخنان او را استیفاء و شروع حتی مطالبه او
سیان آورد. سرتیپ مسند حسین خان آیرم که قدری گرفت
نظمی و سخنان بصر و دایره بزرگی نگذاشت نظمیہ را با سرتیپ
بمطالبات سخنان تن به داده و در عرضی ملود گفتن صفا
دعوتی گردید. حالا باید و همچنین چه کربال شد. مژده نامور
منشی سایر مژده ما گردید. بعضی است که از این دور تا این زمان
زادری بچنگ بی آمد. به در سطح فرزانان نوبان دعوتی گرفت.
این سخنان میباید از تکلیف و برتری سبب ماضی و
اندهادان املاکون از طرف دیگر و ما سخنان ایران که داشت که
چرا جوی سبب نماید و دیده که تنها صانع که گفن قدر چوانه
از مسلمان املاکون جلوتری که با این فرود او را
تنگرانی سلطان احمد در خدمت بیست و نظمیہ مسلکی
انتخاب نمود.

آن هم ترجیح به همین چند روز که بسمه
درست بیست انتخاب شده با تمام فرما بر همه در خدمت آزادی
حاضر میگردد و نسبت از افراسیاطان محسوس در نهایت مستی
است. سائید مطبوعات با شش تیرین و بعضی خبران داده

مکتوب نوسبالیست قایل برای فروش
در هر طبعه موجود است.
نومر ۱ - قیمت ۵۰۰ مسمه
گهر و سرباز
پایانه حزب فوئیس
کابل بروکس
فرهنگ و سخن
قلم و قلم
Standard, Berlin-Charlottenburg, Wilhelmsstr. 10

تاریخچه

اخبار ایران

انتظار دو تر از سفین طهران

واسطه یکی سفین و تریبون همین ماه سابق سفین معلول و تر
از سفین موسوم به گل امین سراج و سیه جدیدان نیز آمد. در شرح
غیر و غیره با نورما با نورما مشورت میشود.
آقای منشی برآی خود یکی از کلابت ایران که شاید ۶ فرس
میدانیش و سرگرم به ماهه مغان باشد به بومر لادن مورا کرده
و غورما میگردد که مسند در روز بیاض مایه غورما در شرح مختصر
اصوبی مسند اول و اینکه هم بر سر مسند مختصر توضیح از کلابت و لا
طریق مسند لوتی بود به غیر از یکی چنانکه با کلابت سرتیپ سرتیپ
چنانکه ۶۰۰ در هر دو مسند در شرح غیر غورما که در لایحه ماب
برده که مرا سرتیپ ماب و دیگر این کلابت ۶۰۰ مراد ماب ۶۰۰
غورما که آبرو در نه و میگردد میگویند!

سفینت شایدهانه اولاد آیرم

در این امر پس از آنکه این سفینت بیرونی با دست لایحه
املاکون روسی و طرف اولاد هم در خلق چند نفر از اهل ایران
بر سر یک سفینت بیست نفر اولاد که از آنجا شروع کرده و به
پس سفینت چند نفر انگلیسی و بعضی کرده در خدمت خود و برای
سفینت کلابت. پس از آنکه سفینت از طرف املاکون روسی
مستقیم املاکون روسیه و مستقیم که خود آیرم کلابت به دست
چنانکه در املاکون روسیه آیرم که در سفینت کلابت سفینت
در راه و کلابت میگویند.

مرض شقاق در گیلان

از امری که با وجود این در بعضی باطرف در گیلان در
در وقت مرضی شقاق مدتی که در حق این امر را در گیلان در
است. از آنکه در بعضی از این امر را در گیلان در وقت مرضی
مطلب بود که در این امر را در گیلان در وقت مرضی
در وقت مرضی شقاق مدتی که در حق این امر را در گیلان در
است. از آنکه در بعضی از این امر را در گیلان در وقت مرضی
مطلب بود که در این امر را در گیلان در وقت مرضی

در وقت مرضی شقاق مدتی که در حق این امر را در گیلان در
است. از آنکه در بعضی از این امر را در گیلان در وقت مرضی
مطلب بود که در این امر را در گیلان در وقت مرضی
در وقت مرضی شقاق مدتی که در حق این امر را در گیلان در
است. از آنکه در بعضی از این امر را در گیلان در وقت مرضی
مطلب بود که در این امر را در گیلان در وقت مرضی

حکمرانی انگلیسیا در ایران مستقل

بالاخره انگلیسیا چنانچه بپایند و تا با اینهمه اکتفا
نکرد امروزه ایرانیا با علم حسین در تحت نظار مطبوعین
انگلیسیا در گیلان ملی میگردد. با هر کسی است. در پس
نظیر حسین خلیفه امین از وی توگر دان تقبول انگلیسی
انگلیسیا بر سر میاید. قیمت سرش انگلیس مستقیم
نموده برای رعایت خاطر خان قونول آکند چوبی میزند که
در قلمرو خود چوب جان میدهد. این است عاقبت کار ایران
و چنانکه حکومت بعدا سخنان و این است وضعیت ایران
مستقل.

توجه بیکسین راه نظمی طهران به بحر خود

دولت ایرانیها در حالیکه هم در روز به تحت و در تحت
منصبین نظمی انگلیسی معلول ساختن طرق حوسه نظمی
در سر میباید اشیرا در مسد بر آمده که راه جدیدی از
چالوس به اوشان بسازد و این اوله نظمه نظر استراکزی
گردانین راهی است که بحر خروا طهران متصل میباید
در برای اجرای منظور قوی سنی است که منحصن معلول
کند به برای در ضرورت میباید.

مکتوب اولاد

مکتوب از تبریز

مکتوب یکی از کارگران تبریز به بیکار

پیکان روزنامه که از حقوق کارگران ایرانی به جهت
دفاع میکند روزنامه دیگر است. روزنامه دیگر میاید به هر
سختی نیست آورده با نهایت لادلی میخوانیم. اولاد بعضی
میدانیم که این روزنامه و ریاست از جناح که در دوره جنوری
وجود مدله میبورد است که در شرح چاپ خود زیرا بر همه
معلوم است که مدیران روزنامه که میباید سلیقت را بنویسد
و با این که از حقوق کارگران دفاع نماید امروزه مدیران
چاپ کردن آن مسکن نیست و چنان روزنامه پیدا نمیشود و
اگر در سابق وجود داشت آن هم بیکان روزنامه سلیقت
بوده است که در طهران چاپ میباید. این طریقه بیک دلیل
حرف میبورد است که با ایرانیها ما امروزه حق نداریم که مدیران
از جناح بیست ششم که در شرح روزنامه چاپ بیکم و یا در
ایران عرضه میباید. اگر و کلابت بر طرفین ملاکین و
اگرچه روزنامه جنوری از نظر روزنامه دیگره سنگو
میباشد و این مسکن متون سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ
که در وقت مسند کارگران ایران را در وقت بعد اطلاع
که تا چند مسند خود که با این به بعضی دولتا بر سر میبورد.

چند کلمه از اوضاع کارگران تبریز به شما میگویم. در
تبریز مسند از کارگران در کارخانه های کالی باقی کار
میکنند و اکثر کارگران کالی باقی بعضی صاحبستیان و
بهره و بعضی میباشند. روزگار سخت ایران و بیکاری و کسبی
اجرت هر کارگر را میبورد. بی سوادگی و اختلال خودمان بیکاری
از قبیل دکامبر و کارخانه بر سر است که از دادن کتب بیکاری
دست کردن کلابت خود آزاد نمود. اگر کارگران کالی
از شرح آفتاب شما از کلابت سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ
دیگر در طهران بعضی کارگری عرضی اینکه در خواب
استراحت بود با اینکه از برای تسخیر بخدمت برود باقی
باید بدون کلابت به کار میبورد اجرت این بعضی کارگری
روزی از بیکاری باقی که فراموش است. کارگران در گ
از بیکاری که از آن اجرت میباید. در اینجا از بیکاری که از آن
دوران سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ سرتیپ
بیش باقی است چنانکه کارگران بیکاری است و صاحب نمایند
و این اجرت که با کارگران میباید آگانه آن خالی و
چال و با اطلاع ما به چوب ما ۱۰۰ ساعت کار ما مانده روزگار
سخت کمال است که بیکاری باغ شوق در روی خاکش
بیشتر است. هر روز که آن سنگدلها بی چشم به خوشی
آن سنگ ما حسد میبورد.

کار شما اوضاع کارخانه که ما در آن کار میکنیم همین
خواهید باشد که ما در علم که روزگار سنگهای شیخان
حسد میبورد. صحت کار ما در نهایت کمترین است. زمین بر آن خاک
و برای هر طرف میباید. زمستان سرد و زمستان که است. البته
میباید که ۱۲ ۱۱ ساعت کار و بیکاری در یک چندین است.
تا چه حد آمیزشها خلوق و بیبش چشاید. در وقت کار از
سختی است و بی هیچ دانشی تمام خود را که در آن
میباید که ۱۲ ۱۱ ساعت کار و بیکاری در یک چندین است.
تا چه حد آمیزشها خلوق و بیبش چشاید. در وقت کار از
سختی است و بی هیچ دانشی تمام خود را که در آن
میباید که ۱۲ ۱۱ ساعت کار و بیکاری در یک چندین است.

از جناح دوازده برده برده جنود و از ترس بیگانه و بعضی
با خدمت حرفه زدن با نام و اکثر بیکاری اجرت نام است
مرا جنس کرده اطلاع ما را گرفته میگویند و ما میبورد
که امیدواریم کارگر را سستی کرده باشد هم بطوری خصص
خود ولی روزی خواهد رسید که دنیا بیکم ما همه این مردم
و سرنگون کرد خودمان از این گرفتار خلاص خواهیم کرد
و اجرای

